

## **پیرامون مصاحبه های اخیر عمر ایلخانی زاده**

از حقیقت، ارگان حزب کمونیست ایران) م ل م (، شماره 10، تیر ماه  
1382 [www.sarbedaran.org](http://www.sarbedaran.org)

اخیرا یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان انقلابی زحمتکشانشان کردستان (که نام آقای عمر ایلخانی زاده، طی مصاحبه با رادیوهای کردی و فارسی زبان خارج از کشور اعلام کرد که وی یک ماه قبل از حمله نظامی آمریکا به عراق با مقاماتی از وزارت خارجه آمریکا دیدار داشته و به نیابت از طرف کومله از دولت آمریکا درخواست برقراری رابطه رسمی کرده است. او در توجیه این مسئله اعلام کرد که رابطه با دولت آمریکا مشابه رابطه ای است که کومله طی بیست سال اخیر با دولت عراق داشته است. مضافا او سیاست و تبلیغات علیه جنگهای تجاوزکارانه آمریکا را خلاف مصالح کومله دانسته و گفت، آن سیاست ضد امپریالیستی که فراخوان تظاهرات در دیار بکر و سلیمانیه و سنج علیه آمریکا می دهد، سیاستی احمقانه است و برای مردم کرد مرگبار است. اما باید بگوئیم که سیاست خود کومله غلط است. این سیاست نه تنها غلط است، بلکه برای جنبش کردستان و جنبش چپ ایران زهرآگین و خطرناک است. ما در شماره قبل نشریه حقیقت در مقاله «کومله بر سر دوراهی» پایه های تئوریک و سیاسی نظرات کومله در رابطه با تجاوز آمریکا به عراق را نقد کردیم. در آن زمان بنظر می رسید که حرص و جوش آقای ایلخانی زاده برای آنست که می خواهد از «حق کردهای عراق» در استفاده از تضاد بوش و صدام، حمایت کند. اما معلوم شد که ایشان داشتند برای خودشان تدارک می چیدند و مسئله زیاد هم ربطی به کردهای عراق نداشت. در واقع آقای ایلخانی زاده برای اعلان سمتگیری سیاسی جدید کومله خلق افکار و زمینه چینی می کرد؛ خود را برای سخنرانی در مورد «حق کومله» برای نزدیکی با امپریالیسم آمریکا آماده می کرد.

آقای ایلخانی زاده تلاش می کند سیاست جدید کومله را با قرینه سازی تاریخی توضیح دهد. وی می گوید چون کومله در گذشته با دولت عراق رابطه داشته اکنون هم می تواند با آمریکا رابطه برقرار کند. این استدلال نیست، بلکه فریبکاری است. جمع بندی غلط و وارونه از تاریخ کردستان است. آقای ایلخانی زاده طوری بحث می کند که انگار رابطه با عراق مزیتی برای کومله داشته است. در حالیکه اتکاء به دولتهای ارتجاعی منطقه یکی از نقطه ضعفهای تاریخی جنبش کردستان بوده است. همواره، بخشهایی از جنبش کردستان سعی داشت که تحت عنوان «دشمن دشمن من دوست من است» بر شکافهای میان دولتهای ارتجاعی که کردستان بین آنها تقسیم شده، تکیه زند و از این طریق به اهداف خود دست یابد. قطعاً روزی باید بطور همه جانبه به تاثیرات منفی این سیاست - مشخصاً در رابطه با جنبش انقلابی خلق کرد در ایران - پرداخت. غالباً اتخاذ سیاست استفاده تاکتیکی از تضادهای میان دشمنان توسط نیروهای کرد، موجب تضعیف اتکاء این جریان به توده ها شده و در ادامه موجب ترك جهتگیریهای انقلابی شان شده است. یکی از دلایل عقبگردهای کومله بویژه در زمینه پیشبرد مبارزه مسلحانه این بود که بیش از اندازه خود را به شکاف میان دولت ایران و عراق متکی کرد و زمانی که این شکاف بسته شد با محدودیتهای بسیار روبرو شد و نتوانست این شکل از مبارزه را ادامه دهد. آقای ایلخانی زاده این نقطه ضعف تاریخی جنبش کردستان را به سطح یک فضیلت ارتقاء می دهد.

اما مشکل فقط این نیست. مسئله این است که قیاس بین ایندو رابطه قیاسی مع الفارق است. همگان می دانند که فرق کیفی بین دو دولت آمریکا و عراق است. شکاف بین ایران و عراق، شکاف بین دو نوکر مفلوک بود؛ شکاف بین آمریکا و عراق یا آمریکا و ایران شکاف بین یک ارباب با نوکر است. اربابی که توانایی، قدرت و امکانات آنرا دارد که تحت شرایط معین، نوکری را بردارد و نوکری دیگر جایش بگذارد. اربابی که نقش تعیین کننده در سیاست و اقتصاد کشوری مثل ایران دارد و امروزه دخالت مستقیم وی در صحنه سیاست ایران، معانی مشخصی برای مردم ایران و جنبش انقلابی ایران دارد. چشم بستن بر این واقعیت، چشم بستن بر اولیه ترین اصول سیاست در جهان امروز است.

دولت عراق برنامه و سیاستش این نبود که ایران را تبدیل به مستعمره خود کند و توان آنرا نیز نداشت که صحنه سیاسی آنزمان جامعه ایران را حول طرفداری یا ضدیت با عراق قطبی کند. رابطه ای هم که آنزمان دولت عراق با اپوزیسیون ایرانی برقرار کرد الزام سیاسی خاصی را برای

اپوزیسیون بوجود نمی‌آورد. هیچ گروهی ملزم نبود که ارزیابی خود را از ماهیت ارتجاعی جنگ بین ایران و عراق تعدیل کند. البته عراق مانند هر دولت ارتجاعی تلاش می‌کرد احزاب و گروههایی را به خود وابسته کند و این اساساً به خط مشی هر جریان‌ی ربط داشت که چگونه با این مسئله مقابله کند. جریان‌اتی مانند مجاهدین این مسیر را تا آخر پیمودند و نتیجه اش را امروز می‌بیند. سیاستهای پراگماتیستی هیچگاه عاقبت خوشی ندارند.

اما برقراری رابطه با دولت آمریکا آن هم در شرایط کنونی از سنخ دیگری است و در چارچوبه اوضاع سیاسی کاملاً متفاوتی مطرح است. اوضاعی که مشخصه اصلیش اعلان جنگ دولت آمریکا به مردم همه دنیا و بخصوص به مردم کشورهای خاورمیانه است. آمریکا این بزرگترین دولت تروریستی دنیا به همه اعلان کرده که یا با من هستید یا علیه من. در چنین چارچوبه‌ای روشن است که برقراری رابطه دوستانه با این دولت چه معنایی دارد. پیش شرط چنین رابطه‌ای خاک پاشیدن بر ماهیت جنگ ارتجاعی و تجاوزکارانه آمریکا علیه عراق است. حمایت ضمنی جنگ جنایتکارانه آمریکا و نفی نیروهای ضد امپریالیست و دوری جستن از جنبشهای ضد جنگ در جهان است. کاری که رهبران کومله در طول جنگ کثیف آمریکا علیه عراق، انجام دادند.

کومله می‌خواهد تماس با آمریکا را به یک رابطه دیپلماتیک معمولی تقلیل دهد. حال آنکه هر تصمیمی ولو جزئی (که البته چندان هم جزئی نیست) را باید در چارچوبه اوضاع سیاسی کلی مورد ارزیابی قرار دهیم. برقراری هرگونه رابطه با آمریکا معنایی ندارد جز اعلان دوستی با آمریکا در جنگی که علیه مردم دنیا و بخصوص مردم خاورمیانه راه انداخته است..

امروزه آمریکا به دخالت کاملاً مستقیم و آشکار در ایران پرداخته و این دخالت ممکنست شکل نظامی هم به خود بگیرد و منجر به اشغال استعماری ایران شود. آمریکا تلاش دارد صحنه سیاسی ایران را بگونه‌ای شکل دهد که هوراکشان و نوکران آمریکا تقویت شوند. کومله هر نیتی که داشته باشد، سیاستی که اتخاذ کرده به لحاظ عینی تأثیری جز تقویت دست آمریکا ندارد. سیاست مرگبار نزدیکی با بزرگترین دشمن مردم دنیا پتانسیل آنرا دارد که بکلی ماهیت سیاسی کومله بعنوان یک نیروی خلقی را عوض کند.

آقای ایلخانی زاده دچار نخوت شده و با ذهنی گرائی و قیاس نادرست فکر می‌کند در موقعیت احزاب کردستان عراق قرار دارد و آمریکا در فردای تحولات ایران قدرت سیاسی در کردستان را به دست آنان خواهد سپرد. اما نه موقعیت کومله مانند دو حزب حاکم بر کردستان عراق است و نه ذهنیت توده‌های مردم کردستان ایران مانند کردستان عراق است. در کردستان ایران روحیه و آگاهی ضد امپریالیستی بسیار بالاست و اینگونه سیاستهای پرو امپریالیستی به آسانی از سوی توده‌های کرد پذیرفته نمی‌شود. وانگهی آمریکا بی دلیل کسی را بعنوان دستیار خویش قبول نمی‌کند. دو حزب حاکم بر کردستان عراق بارها وفاداری خود را به آمریکا ثابت کرده اند. آنها آمریکا و ارتش ترکیه را در سرکوب جنبش کردستان ترکیه یاری دادند. دولت خودمختار فتودالی تحت الحمایه آمریکا را طبق معیارهای آمریکائی جلو بردند، روحیه نوکرمنشاهی را دامن زدند، مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه در کردستان عراق را دست نخورده باقی گذاشتند، بی حقوقی زنان را تشدید کردند و آمادگی خود را برای شرکت در هر نوع جنگ سالاری و همراهی با ارتش آمریکا نشان دادند. بدون از سرگذراندن چنین آزمایش‌هایی، امپریالیسم آمریکا راه را برای قدرت‌گیری هیچ نیرویی باز نمی‌کند. آقای ایلخانی زاده! از نظر دولت آمریکا فقط کافی نیست که از پشت رادیو تلویزیون از بد نامی کمونیسم صحبت کنید. از شعار حق تعیین سرنوشت برای ملل ستم‌دیده در ایران دست بکشید. باید به دست نشاندگان وفادار آمریکا تبدیل شوید. آیا حاضرید؟ چنین مباد!

رهبران کومله اعلان علنی رابطه با بزرگترین دولت تروریستی جهان را جزو شجاعت‌های خود وانمود می‌کنند حال آنکه این شجاعت نیست، این عوامفریبی است. هر کسی که با سیاست در دنیای کنونی آشنا باشد می‌داند که آمریکا از کلیه نیروهای سیاسی که پیشینه و پشتوانه مردمی دارند و با وی طرح دوستی میریزند، می‌خواهد که این رابطه را علنی کنند. این یکی از اولیه‌ترین خواسته‌های دولت آمریکاست چرا که طرح آن تبلیغی برای سیاستهای آمریکا در مقطع کنونی است. آمریکا می‌خواهد نیروهایی مثل کومله را که دارای پیشینه مردمی و انقلابی اند شاهد بگیرد که جنگ‌های تجاوزکارانه و استعماری اش برای مردم کردستان و دیگر نقاط خاورمیانه منشاء خیر و برکت است. آقای ایلخانی زاده آیا حاضرید چنین شهادت دروغین را بدهید؟

به این مسئله هم توجه داشته باشید که امروزه دوم خردادیهایی ورشکسته هم به تبلیغ برقراری رابطه با آمریکا پرداخته اند. یعنی همان کسانی که سالها همراه با امثال خمینی و خامنه‌ای و رفسنجانی پست‌ترین اشکال خدمت به امپریالیسم را زیر زشت‌ترین هیاهوهای ضد امپریالیستی پنهان می‌کردند.

کومله سیاست برقراري رابطه با آمریکا را واقع بيني قلمداد مي کند. اما اين، اوج کوتاه بيني پراگماتيستي و محدودنگري ناسيوناليستي است. کوتاه بنيانه است زيرا اهداف واقعي و منافع درازمدت خلق کرد را فدای کسب امتيازات حقير و واهي مي کند. محدودنگرانه است زيرا نه تنها چشمش را بر واقعيات و صفنديهاي سياسي که در جهان امروز شکل گرفته مي بندد بلکه تصويري به غايت تنگ نظرانه و نادرست از صف بندي ملي و طبقاتي در کردستان و دوستان و دشمنان ملت کرد ارائه مي دهد. کومله مبارزه ملي را از مبارزه ضد امپرياليستي جدا مي کند، مبارزه ضد امپرياليستي را که از ارکان انقلاب دمکراتيك نوين است حذف مي کند و امپرياليسم را که عامل اصلي ستمگري ملي است تطهير مي کند. تمام اين اصولي که کومله يك به يك حذف مي کند و به سخره مي گيرد، از اصول خدشه ناپذير بنيانگذاران کومله بود. آقای ایلخانی زاده، بنظر مي رسد که شما همه رشته هاي پيوندتان را با منش سياسي و ايده آلهاي کومله قديم بريده ايد تا دست و بالتان براي اينکارها باز باشد. تاسف بار است.

و اسفبارتر آن که امروزه کومله بسياري از تئوريها و سياستهاي خود را براي خوش آمدن اربابان جهان تنظيم مي کند. از فدراليسم گرفته تا طرفداري از سوسيال دمکراسي آبروباخته، از چراغ سبز نشان دادن به سلطنت طلبان گرفته تا چراغ سبز دادن به جناح دوم خرداد جمهوري اسلامي، از مسخره کردن مبارزات ضد امپرياليستي گرفته تا تبليغات ضد کمونيستي، همه و همه نشانه سراسيبي است که کومله بر آن گام نهاده است. امثال آقای ایلخانی زاده دير آمده مي خواهند زود برسند. اينها بتازگي از مارکسيسم و چپ بريده اند ولي سريع مي خواهند به مناسبات جهاني پيوند بخورند. بي خبر از آنکه اينکار آنقدرها هم آسان نيست و سرشان به سنگ خواهد خورد. بويژه آنکه

ما شاهد اعتلاي نويني در جنبش انقلابي در کردستان و سراسر ايران هستيم. ما به رهبران کومله هشدار مي دهيم اتخاذ اين سياست غلط که مرز بين دوستان و دشمنان مردم را مخدوش مي کند، عواقب ناگواري براي جنبش کردستان، جنبش سراسري مردم ايران و جنبش چپ ايران خواهد داشت. ما بطور جدي از آنان مي خواهيم که دست از اين سياست بردارند. ما به تمامي نيروهاي انقلابي و چپ ايران فراخوان مي دهيم که به افشاي اين سياست پردازند. ما از مردم کرد بويژه از دانشجويان مبارز کردستان مي خواهيم در کنار شعار «مرگ بر جمهوري اسلامي» شعارهائي مانند «اين جنبش دانشجوست نه جنبش آمريکا»، «نه آمريکا، نه جمهوري اسلامي» را جاي دهند و مرز روشني با نيروها و جرياناتي که مي خواهند آمريکا را دوست مردم کرد جلوه دهند بکشند. ما از آنان مي خواهيم که با طرح شعارهاي ضد امپرياليستي، مبارزه عليه رژيم جمهوري اسلامي را بطور مشخص در کردستان عمق بخشند؛ و بدین ترتيب مانع به قهقرا رفتن کومله نیز بشوند.

[www.sarbedaran.org](http://www.sarbedaran.org)